

تاریخچه‌ی مستشاران آمریکایی در ایران^(۱)

به قلم سید کاظم اتحاد

دوستی دو پهلو نمی‌شود یا با ما باشید یا با مخالفین ما

ملاقات من با میلیسیو

من این پول‌ها را از آمریکا نیاورده‌ام که به شما بدهم این وجوه از مردم این مملکت گرفته شده و متعلق به آن هاست هنگامی که امتیاز نفت شمال و کشیدن خط آهن مطرح بود، مگر وجود دکتر میلیسیو تولید مزاحمتی می‌کرد که برای او کارشکنی می‌کردند؟

دسیسه‌ها و تحریرات شاهزاده نصرت الدوله فیروز برای اخراج دکتر میلیسیو.

خوب به خاطر دارم مرحوم حاجی ربیع آقا تهریزی که از تجار محترم بودند طبق حکم عدلیه مدعی طلبی از دولت بود دکتر میلیسیو این طلب را نمی‌داد و مدعی بود این طلب حساب‌سازی بر علیه دولت است. به مناسبت روابطی که با میلیسیو داشتم و دوستی که آقای هاشم ربیع زاده فرزند حاج ربیع آقا با من داشت تقاضا کرد ملاقاتی در این موضوع با دکتر میلیسیو بکنم.

دکتر با نهایت خوشرویی و محبت از من پذیرایی کرد مرحوم میرزا یانس هم به عنوان مترجم حضور داشت.

به ایشان گفتم که شما مدعی هستید که فقط قانون را احترام و اجرا می‌کنید اکنون شایع است که از اجرای قانون جلوگیری کرده‌اید! دکتر با خون‌سردی پرسید خواهش می‌کنم موارد آن را بفرمایید.

گفتم موضوع مربوط به حکم حاج ربیع آقا تاجر است این حکم قطعی است و

قوانین از قانون بیشتر است زیرا ممکن است قانون را لغو و یا اصلاح یا تعدیل یا تحدید کرد ولی با حکم قطعی هیچ کاری نمی‌توان کرد! به علاوه حاج ربیع آقا از متنفذین بازار است و ممکن است این اقدام در حسن شهرت شما در بازار و محافل تجارتمی سوء اثر نماید!

وقتی بیانات مرا مرحوم میرزا یانس برای مشارالیه ترجمه می‌کرد دکتر یادداشت کوچکی نوشت زنگ زد مستخدم آمد یادداشت دکتر را برد، هنوز صحبت میرزا یانس تمام نشده بود یک دوسیه بزرگ و قطوری را آوردند.

دکتر میلیسپو به من گفت: میل دارید این دوسیه را مطالعه کنید گفتم خیر! من منظوری ندارم فقط از نقطه نظر علاقه‌ای که به حسن شهرت شما دارم به علاوه پسر این شخص با من دوست بود لازم دیدم در این خصوص یک یادآوری کرده باشم!

دکتر شروع کرد به توضیحاتی دادن. وضعیت فلاکت بار امور مالی و خالی بودن خزانة دولت را در موقع ورود میسیون بطور خلاصه تشریح کرد، وضعیت فعلی و وجوهی که فعلاً در خزانة موجود است بیان کرد، ضمناً اظهار داشت من این وجوه را از آمریکا نیآورده‌ام این وجوه از مردم این مملکت گرفته شده و متعلق به آن مردم است. در تمام طبقات اشخاص متنفذی هستند. اینها در کارهای دولتی فعل و انفعالاتی کرده‌اند. اکنون شنیده‌اند پولی در خزانة موجود است کوشش دارند از این وجوه استفاده کنند!

من آماری از مدعیان دولت در دست دارم. مطابق این آمار صدی نود و نه از کسانی که مدعی مطالباتی از دولت هستند در عدلیه محکوم له واقع شده‌اند! مادامی که من در رأس امور مالیة ایران هستم نه یک شاهی به این اشخاص هواهم داد نه یک نام از این احکام را اجرا خواهم کرد وقتی مردم فهمیدند که من مصلح آنها را بر هر چیزی ترجیح داده‌ام هرگونه شایعه و تأثیری که از این عمل پیدا شود بر له من خواهد بود!

اما در خصوص حاج ربیع آقا مشارالیه معدن مس خمسه را از دولت اجاره کرده است و به جای این که حقوق دولت را طبق قرارداد بپردازد مدعی خسارت شده و

چهل هزار تومان مطالبه می‌کند! آیا شما راضی می‌شوید این وجه را که شاهی شاهی آن از مردم عریان ایران به زحمت جمع آوری شده است به ایشان بدهم!!
حقیقت از این ملاقات خجل شدم و در قلب خود یک دنیا تکریم و احترام برای این شخص قایل شدم که از آن طرف دنیا آمده است تا مصالح عمومی ما را محافظت نماید. از مشارالیه معذرت خواسته و با وجدانی مطمئن از دفتر دکتر میلیسپو خارج گردیدم!!

مدت استخدام دکتر میلیسپو مطابق قانون چهارم اسد ۱۳۰۱ شمسی پنج سال بود و کنترات مشارالیه در تاریخ ۱۳۰۷/۱/۶ منقضی می‌گردید.

در این مدت مستشار مذکور و همکاران او به قدری با صمیمیت و حسن نیت مأموریت خود را انجام دادند که تمام اصلاح طلبان به او علاقه پیدا کرده بودند و با قوای خود در پیشرفت کار او کوشش و از او تقویت می‌نمودند. قطع نظر از نظم و ترتیبی که در امور مالی برقرار شده بود در موقع رفتن دکتر خزانه مملکت که از جیب حلاج خالی تر بود ۱۷۶۰۰۰۰۰ تومان یا ۱۷۶۰۰۰۰۰۰ ریال وجه موجودی داشت. باید اعتراف کرد که وجود سردار سپه رئیس الوزراء وقت و قدرت دولتی در پیشرفت کار میلیسپو تأثیر به‌سزایی داشت معذالک خدمات و وظیفه‌شناسی میلیسپو و میسیون مشارالیه در پی ریزی امور فراموش نشدنی است و خدماتی را که در مدت استخدام خود به ایران و مالیه ایران کرد در تاریخ معاصر ثبت خواهد گردید.

* * *

مقدمات اخراج دکتر میلیسپو

روز ۴ شنبه دهم خرداد ۱۲۰۶ شمسی مطابق اول ذیحجه ۱۳۲۵ قمری ما مواجه با کابینه آقای مخبر السلطنه هستیم زیرا در آن روز معلوم شد که مرحوم مستوفی الممالک استعفاء داده و به هیچ وجه برای ادامه کار حاضر نیست.
شاید یکی از علل مهم استعفای مستوفی الممالک نقشه‌ای بود که در زیر پرده بر علیه دکتر میلیسپو طرح شده بود.

مرحوم تیمور تاش که در این موقع وزیر مقتدر دربار و مرحوم نصر الدوله وزیر مالیه وقت در صدد بودند به کنترات دکتر میلیسپو خاتمه دهند ولی چون افکار عمومی و مخصوصاً صلحای مجلس جداً طرفدار استخدام دکتر بودند ظاهراً نمی‌خواستند تظاهر به این نقشه کنند.

دکتر میلیسپو با یک پنجه آهنین جلو هرگونه استفاده‌ای از امور مالی و اقتصادی دولت گرفته بود. در آن تاریخ مسایل مهم اقتصادی از قبیل امتیاز نفت شمال و کشیدن خط آهن مطرح بود. مادامی که دکتر در رأس مالیه بود مجال هرگونه سازش محرمانه‌ای ممتنع بود.

عناصر دیگری وجود دکتر میلیسپو را مخالف منافع یا لااقل منافی مصالح شخصی خود می‌دانستند همین جریانات بود که منجر به استعفای مرحوم مستوفی الممالک و قبول زمام‌داری از طرف آقای مخبر السلطنه گردید با این که آقای مخبر السلطنه مردی عقیف و با تقوا و دارای صراحت لهجه بود ولی به اندازه مرحوم مستوفی الممالک حسن مقاومت نداشت و شاید در بعضی مواقع استعداد قبول پاره‌ای از تحمیلات را می‌نمود.

روز دهم خرداد ۱۳۵۶ معظم له کابینه خود را به طریق ذیل به مرحوم اعلیحضرت شاه فقید معرفی نمود:

آقای حاج مخبر السلطنه، رئیس الوزراء وزیر فواید عامه - آقای داور، وزیر عدلیه - آقای تدین، وزیر معارف - آقای نصرت الدوله، وزیر مالیه - آقای ادیب السلطنه، وزیر داخله - آقای سردار اسعد، وزیر جنگ - آقای مشاور الممالک، وزیر خارجه - میرزا قاسم خان صور، کنیل پست. در این کابینه بود که فکر خاتمه دادن به کار دکتر میلیسپو مطرح و تعقیب و به نتیجه مطلوب رسید!

روز ۱۱ خرداد که دولت آقای مخبر السلطنه برای معرفی در مجلس حضور پیدا کرد پیش در آمد مخالفت با دکتر میلیسپو از طرف یکی از نمایندگان شروع شد: آقای زوار به عنوان نطق قبل از دستور شرحی از فشار مامورین مالیه به مردم و بدبختی مالیات

دهندگان بیان داشتند و در ضمن گفتند:

آقایان مسؤولیت این اوضاع متوجه شماست: کاری کنید مردم از این فشارها آسوده شوند می‌گویند وزیر مالیه مسؤول است. بنده عرض می‌کنم آن قانون مسؤول است که اختیار را از دست داخلی گرفته است و مامورین مالیه هم به اتکای آن قانون مرتکب جنایات می‌شوند.

وزرای مالیه هم عاجز از جلوگیری هستند! بنده پیشنهاد می‌کنم از هر فراكسیون دو نفر انتخاب و مظالم مامورین مالیه را تحت مطالعه در آورده ملت را نجات دهند و الا سال آینده شما موکل هم نخواهید داشت که وکیل شوید!

تردیدی نبود که این نطق به تحریک نصرت الدوله وزیر مالیه ایراد شده بود زیرا مشارالیه داوطلب شده بود میلیسپو را از کار خارج نماید.

آیا علت این اقدام چه بود؟ آیا واقعاً دکتر میلیسپو مفید نبود با عوامل دیگری در کار بود؟ در این که مستشار آمریکایی پایه امور مالی ما را بر شالوده محکم و متینی بنا کرده بود تردیدی نداشت ولی مدتی بود که یک اختلاف نظری در خصوص کنترل بودجه وزارت جنگ بین مشارالیه و اولیای آن وزارتخانه جریان داشت.

وزارت جنگ شاید بنا به مصالحی معتقد نبود مستشاران مالی دخیل در جزئیات اقلام بودجه آن وزارتخانه باشد و می‌خواستند بودجه آنها به طور چهار دیواری به مجلس برود ولی میلیسپو معتقد بود که باید اقلام ریز آن بودجه و دلایل لزوم آن اقلام تصریح شود. این اختلاف از زمان ورود مستشاران مذکور پیدا شد و در تمام مدت وزارت جنگ و ریاست وزرایی شاه فقید ادامه داشت وقتی شاه فقید به سلطنت رسید معتقد شد که باید این اختلاف رفع شود و با تحدید اختیارات دکتر میلیسپو کنترات مشارالیه تجدید شود ولی وزیر مالیه وقت شاهزاده نصرت الدوله که اختیارات رئیس کل مالیه را نمی‌توانست تحمل نماید و مایل بود در کلیه امور مالی مختار مبسوط الید باشد این نظر شاه فقید را به شکل بدوزنده‌ای تعقیب کرد و از دوستی صمیمانه و نفوذ فوق العاده مرحوم تیمور تاش وزیر دربار وقت منتهای استفاده را نمود.

شاهزاده فیروز یک رجل سیاسی عاقل و مدیر و در مسایل عمیق و تحصیل کرده و در عین حال پشت هم انداز بود وقتی در مجلس سمت نمایندگی داشت بدون این که در یکی از فراکسیون‌های پارلمانی عضویت و یا تعهدی قبول نماید زمان اکثریت را در دست گرفته بود! و این منظور را در اوقات مختلف به وسایل متفاوت انجام داده بود. بدون دخالت مشارالیه کوچک‌ترین مسأله‌ای از مسایل مملکت حل و فصل نمی‌شد! و اگر برای دخالت او موانعی پیش می‌آمد به طرق غیر معمول و غیر مستقیم آن موانع را برطرف می‌ساخت. منزل نصرت الدوله به اندازه کلوب و باشگاه یک حزب منظم و قوی مرکز حل و فصل امور سیاسی بود.

برای محدود ساختن اختیارات میلیسپو هیچ کس مناسب‌تر از شاهزاده فیروز نبود به همین مناسبت در دو کابینه مستوفی الممالک و مخبر السلطنه که در سال پنجم استخدام دکتر میلیسپو ۱۳۰۶ تشکیل گردید نصرت الدوله به سمت وزارت مالیه معین شده بود. مشارالیه با تظاهر به طرفداری از دکتر میلیسپو در باطن و خارج از محیط وزارتخانه تحریکاتی را بر علیه او شروع نموده بود ولی هنوز وقت را مناسب مخالفت علنی نمی‌دید.

ملاقات با نصرت الدوله

مرحوم نصرت الدوله روزی مرا در عمارت سالاریه (قصر مرمر فعلی) به نهار دعوت کرد. در این تاریخ من بر حسب دعوت آقای رهنما شغل مدیریت روزنامه ایران را داشتم. در آن وقت روزنامه ایران مهم‌ترین روزنامه‌ای بود که از حیث صحت اخبار و اهمیت مندرجات و کثرت انتشار در پایتخت مملکت منتشر می‌شد.

پس از این که نهار را به اتفاق جمعی صرف کردیم به اتفاق هم زیر زمین رفتیم در آن جا به غیر از من و آن مرحوم دیگری نبود شاهزاده به من اظهار داشت که: شما در خصوص خاتمه کنترات دکتر میلیسپو باید منتهای کمک را بکنید و مقالات مکرر و مفصلی بنویسید زیرا این اختیارات برای مملکت مضر واقع شده است!

از ایشان سؤال کردم آیا این نظریه شخص حضرت والا است؟ یا دولت و مخصوصاً شاه با این نظر موافق هستند؟ شاهزاده گفت: این نظر من است و شما دوست من هستید که باید با من هم کاری کنید! جواب دادم: بازار و افکار عمومی با این نظر مخالف هستند و تنها نظر حضرت والا کافی برای تغییر رویه‌ی یک روزنامه‌ای مثل روزنامه‌ی ایران نمی‌باشد. از تاریخی که مستشاران آمریکایی وارد ایران شده‌اند روزنامه‌ی ایران به تبعیت از مصالح مملکت و احترام به افکار عمومی همیشه آن‌ها را تقویت کرده است. راپرت‌ها سه ماه رئیس کل مالیه را منتشر و در اطراف پیشرفت‌های محسوس امور مالی مقایساتی کرده و مقالاتی نوشته است با این وصف چگونه می‌توان از یک راه و مقصودی که پنج سال است در راه قدم بر می‌دارد عدول کند؟ شاهزاده گفت: من این چیزها را نمی‌فهمم به نظر من در ایران افکار عمومی وجود ندارد! افکار عمومی ایران عبارت از نقطه‌ای است که منفعت جمعی در آن تمرکز پیدا کند!

در بازار و در میان تجار هم میلیسپو مخالفینی دارد که مخالفت خود را اظهار خواهند کرد دوستی دو پهلو نمی‌شود یا باید با ما باشد یا مخالفین ما! وانگهی مخالفت و موافقت بازار در این جا مطرح نیست هر کس باید کار خود را انجام دهد شما به بازار چه کار دارید؟

به آن مرحوم جواب دادم: ببخشید حضرت والا ما روزنامه نویس‌ها خود را نماینده‌ی افکار عمومی می‌دانیم بنابراین نمی‌توانیم از این راه منحرف شویم به علاوه روزنامه‌ی ایران فعلاً از هیچ منبع مشروع یا غیر مشروع کمکی دریافت نمی‌کند این مردم هستند که روزنامه ما را خریداری و در پیشرفت کار اداره ما کمک می‌کنند. اگر ما دو دفعه برخلاف عقاید و افکار عامه مطالبی بنویسیم دیگر کسی روزنامه‌ی ما را نخواهد خرید!!

مذاکرات ما نیم ساعت طول کشید هر چه ایشان اصرار کردند و دلیل آوردند من استنکاف از قبول کردم بالاخره ایشان پیشنهاد کردند: حال که نوشتن مقاله از طرف روزنامه به نظر تان اشکال دارد من مقاله خواهم فرستاد آن را درج کنید.

این پیشنهاد را به این شرط قبول کردم که نسبت به دکتر میلیسپو کلمات زننده و توهین آمیزی نداشته باشد. دو شب بعد آقای حاج فطن الدوله مقاله‌ای را به اداره ایران آوردند این مقاله که با سبک عاقلانه‌ای تحریر شده بود اساس زحمات میسیون را بر هم می‌زد به آقا فطن الدوله گفتم: شرط ما با حضرت والا این نبود و من از درج این مقاله معذرت می‌خواهم!

یک روزی هم در حضور اعلیحضرت شاه فقید در قصر تابستانی سعد آباد بودیم شاهزاده نصرت الدوله وارد شد. مرا کناری کشید، و گفت: آیا من شکایت شما را به اعلیحضرت بکنم؟

جواب دادم: آن روز من از حضرت والا سؤال کردم آیا نظر شاه این است جواب منفی دادید در این صورت چه شکایتی متوجه من خواهد شد؟

صدها از این قبیل اقدامات فردی از طرف مرحوم نصرت الدوله به عمل می‌آمد و دامنه تحریکات وسعت پیدا می‌کرد! چند نفر از وکلای در مجلس و چند نفر از هوچی‌ها به نام تجار اظهاراتی کرده و او را منتشر می‌نمودند! حتی شاهزاده نصرت الدوله کوشش کرده بود در میان میسیون آمریکایی شکافی بوجود آورد و مکاسکی خزانه دار میلیسپو را تطمیع کرده بود که سمت ریاست کل مالیه را به او تفویض خواهد کرد از طرف دیگر با میلیسپو وارد مذاکره شده بود که با حذف پاره‌ای از اختیارات کنترات او را تجدید نماید! ولی میلیسپو با این فرمول موافقت نمی‌کرد حق هم با او بود؟ شخصی که در ظرف ۵ سال با اختیارات مخصوصی مالیه را مرتب کرده و با نهایت امانت و شرافت وظیفه خود را انجام داده بود دلیلی مشاهده نمی‌کرد دست از وضعیت خود بردارد اگر بنا بود مستشار مالیه بدون اختیار در خدمت دولت بماند ممکن نبود بتواند یک قدم کوچک در پیشرفت کارها بردارد! در هیأت وزراء آقای مخبر السلطنه سعی می‌کرد اختلافات را مرتفع ساخته و صورت حلی برای آن پیدا کند. آقای تدین مخالف جدی خاتمه دادن به خدمت میلیسپو بود. سایر وزراء بی‌طرفی را حفظ کرده بودند. مرحوم تیمور تاش که نفوذ قطعی داشت از منظر نصرت الدوله تقویت می‌کرد.